

www.pecritiue.com

نیم‌نگاهی از دور به انتخابات ونزوئلا

تلاقی اقتصاد سیاسی



«سوسیالیسم یا دموکراتیک است و یا اصلاً سوسیالیسم نیست»

نیکوس پولانزاس

ادعای اپوزیسیون در مورد تقلب انتخاباتی متعاقب اعلام پیروزی مجدد نیکلاس مادورو در ونزوئلا، خبری است که در تمامی سال‌های اخیر و در پی برگزاری هر انتخاباتی در ونزوئلا شنیده‌ایم. اما به نظر می‌رسد این بار **شکاف** بین نظرسنجی‌ها در طول رقابت‌های انتخاباتی و نتیجه‌ی اعلام‌شده بسیار فراخ‌تر است.

قطعاً تحریم‌های اقتصادی امریکا نقش تعیین‌کننده‌ای در وخامت اوضاع ونزوئلا و فقر و نارضایتی توده‌ها در این کشور داشته است. اما علاوه بر آن نقش بی‌کفایتی و فساد حاکمان در ساختار اقتصادی تک‌محصولی و کماکان تحت سیطره‌ی سرمایه را نمی‌توان نادیده گرفت. چنین است که **از سال ۲۰۱۴ تا ۲۰۲۱**، ونزوئلا یکی از وخیم‌ترین بحران‌های اقتصادی در تاریخ جهان مدرن را متحمل شد. حجم اقتصاد این کشور طی این دوره ۸۶ درصد کاهش یافت. در سال ۲۰۱۹ فقر به ۹۶ درصد افزایش یافت. تورم در همان سال به سطح عجیب‌وغریب و باورنکردنی ۳۵۰ هزار درصد رسید. در سال ۲۰۱۸ نزدیک به یک‌سوم جمعیت دچار سوء‌تغذیه بودند. و تقریباً یک‌چهارم ونزوئلایی‌ها از آن زمان به علت مهاجرتی بی‌سابقه که اکنون بالغ بر ۷.۷ میلیون نفر می‌شود، از این کشور گریخته‌اند. ونزوئلا اکنون بدهکارترین کشور جهان است و نسبت بدهی خارجی عمومی این کشور به تولید ناخالص داخلی و همچنین صادراتش بالاترین نرخ در میان کشورهای جهان است.

آن‌چه در این میان در رسانه‌های اصلی کمتر مورد توجه قرار گرفته این است که دولت ونزوئلا از تحریم‌ها برای توجیه **سیاست‌های ضد کارگری** و اجرای تهاجمی بسته‌ی تعدیل اقتصادی استفاده کرده است. در شرایطی که دستمزدها در یک بستر ابرتورمی کاهش می‌یافتند، اصلاحاتی که در زمان چاوز در قانون کار در خصوص حقوق و دستمزد به نفع کارگران انجام شده بود، در دوره‌ی مادورو حذف شد، اکنون سرمایه‌داران این کشور یکی از کم‌ترین مالیات‌ها را در منطقه می‌پردازند، و سرمایه‌ی خارجی از پرداخت مالیات معاف شده است. همچنین دولت مادورو «مرکز کارگران سوسیالیست بولیواری CBST» را به شکل یک اتحادیه‌ی سراسری زرد سازمان داده

است که به‌مثابه ابزار دولت در سطح جنبش کارگری عمل می‌کند تا مانع از شکل‌گیری ابتکارات و کنشگری‌ها و اعتصابات کارگری بشود.

بعد از پایان همه‌گیری، و به‌ویژه از آغاز جنگ اوکراین و با هدف کنترل بازار نفت، امریکا امکان صادرات و فروش نفت برای ونزوئلا را فراهم کرد و با توجه به افزایش شدید قیمت انرژی، وضعیت اقتصاد ونزوئلا اندکی بهبود یافت. رشد اقتصادی ۸ درصدی در سال ۲۰۲۲ و ۴ درصدی در سال ۲۰۲۳ گزارش و برآورد شده که این رقم در سال جاری به ۴.۵ درصد برسد. همچنین تورم کاهش یافته و البته بازهم در نرخ بسیار سنگین حدود ۵۵ درصد است.

به‌رغم این بهبودی اندک، به‌نظر کاملاً طبیعی می‌رسد که مادورو و به‌اصطلاح حزب سوسیالیست متحد وی با چنین کارنامه‌ای قادر به پیروزی در یک انتخابات دموکراتیک نباشند.

دولت مادورو برخلاف سال‌های نخست حکومت چاویستاها اکنون نه متکی به حمایت طبقه‌ی کارگر و فرودستان بلکه اساساً به نیروهای مسلح و سرکوبگر اتکا کرده است. سیاست‌های این دولت در سال‌های اخیر بیش از هر چیز معطوف به تأمین منافع نظامیان و نیروهای سرکوبگر و امنیتی‌اش بوده است. نظامیان می‌توانند در بازارهایی انحصاری که در دسترس مردم عادی نیست (مثلاً در پایگاه‌های نظامی قرار دارد) خرید کنند، دسترسی ممتاز به وام و خرید اتومبیل و آپارتمان داشته باشند و حقوق‌شان به شکل قابل‌توجه‌ای افزایش پیدا کند. آنها همچنین قراردادهای سودآوری را به دست آورده‌اند، از انواع یارانه‌ها و امتیازات استفاده می‌کنند، و به عنوان مثال، این امکان را داشته‌اند که بنزین ارزان ونزوئلا را در کشورهای همسایه با سودهای کلان بفروشند.

می‌توان انتظار داشت که مادورو و حزب حاکم بر ونزوئلا، جریان‌های دست‌راستی و موردحمایت امریکا را مسئول اعتراضات و درگیری‌هایی قلمداد کند که اکنون در خیابان‌های کاراکاس و دیگر شهرهای ونزوئلا شاهد آن هستیم. اما مهم‌تر آن است که حزب حاکم در ونزوئلا حامیانی در میان توده‌های مردم را از دست داده که زمانی به پشتیبانی آن‌ها متکی بود. **برآوردهای اولیه** از موج جدید اعتراضات اشاره به حضور گسترده‌ی حاشیه‌نشینان و فقرا در اعتراضات کنونی است.

تغییر دیگری که برای ناظرانی از دور قابل تأمل است، این است که در حالی که روسیه، چین، جمهوری اسلامی، و هم‌پیمانان ژئوپلتیک مادورو به وی تبریک گفتند، برخی دولت‌های چپ‌گرای امریکای لاتین در نتایج اعلام‌شده تردید کردند. چنان‌که اشاره شد، تقریباً ۸ میلیون ونزوئلایی از زمان انتخاب آقای مادورو در سال ۲۰۱۳ از این کشور مهاجرت کرده‌اند. و یک [نظرسنجی](#) نشان می‌دهد که در صورت باقی ماندن او در قدرت، یک‌سوم ونزوئلایی‌ها ممکن است به ترک کشورشان فکر کنند. طبعاً چنین وضعیتی برای دیگر کشورهای امریکای لاتین و نیز ایالات متحده نگران‌کننده است.

مادورو طی دهه‌ی اخیر به بهانه‌ی تحریم‌های امریکا شرایط دائمی اضطراری بر ونزوئلا تحمیل کرد، بسیاری از حقوقی را که کارگران و فرودستان در مراحل نخست انقلاب بولیواری کسب کرده بودند از آن‌ها سلب و اجرای برنامه‌ی تعدیل ساختاری را پیشه کرد، و به‌جای اتکا به نیروهای مردم به نیروهای نظامی و سرکوب در داخل و قدرت‌های نوظهور ژئوپلتیک در خارج تکیه کرد. بدین ترتیب، بهترین شرایط را برای قدرت‌گیری روزافزون اپوزیسیون راست افراطی و طرفدار امپریالیسم فراهم کرد. تجربه‌ی جنبش بولیواری حاوی درس‌های بسیاری برای جنبش‌های چپ و سوسیالیستی است، اما شاید مهم‌ترین درسی که از مدعای چاوز و امثال مادورو درباره‌ی «سوسیالیسم قرن بیست‌ویکم» می‌توان گرفت، تأکید بر خیانت‌شان به کلمات و به این ترتیب تضعیف امکان سوسیالیسم برای این قرن با ارائه‌ی حاکمیت‌هایی فاسد و سرکوبگر و گسترش فقر و نابرابری در اقتصادهایی همچنان تحت سیطره‌ی روابط سرمایه‌داری، تحت عنوان سوسیالیسم، است. و بازهم بیش از هر چیز تأکید بر آن‌چه پیش‌تر از تجربه‌ی سوسیالیسم قرن بیستم آموختیم: سوسیالیسم یا دموکراتیک است یا اصلاً سوسیالیسم نیست.